



مخالفت با فرمان هبت‌الله؛

طالبان محلی بر اساس سلیقه خود مهربه تعیین می‌کنند



پس از دستور رهبر طالبان مبنی بر منع پرداخت و دریافت مهربه، اکنون طالبان محلی با اتکا بر شوراهای عالمان دین طالبان در ولایت‌ها و ولسوالی‌ها، مهربه‌های سلیقه‌ای تعیین می‌کنند. بر اساس معلومات منابع، طالبان هرچند با منع پرداخت مهربه، زمینه را برای ازدواج جنگ‌جویان‌شان فراهم کرده‌اند، اما در غیر آن، مبلغی را به‌عنوان مهربه تعیین کرده‌اند. این مبلغ در ولایت‌های مختلف به‌گونه متفاوت در نظر گرفته شده است. در شماری ولایت‌ها، مهربه مصارف عروسی را نیز شامل است.

۵

اجلاس بریکس و رویکرد غرب‌ستیزانه آن

۶

۳

دهها مورد تجاوز بدون پیگیری و مجازات؛

پرورنده‌های جنسی طالبان قطورتر می‌شود



ایران پناهجویان قانونی افغان را اخراج می‌کند



۸صبح، نيمروز: منابع محلی در نيمروز می‌گویند که پناهجویان افغان دارای پاسپورت و ویزه نیز از ایران اخراج می‌شوند. منابع روز یکشنبه، ۲۹ اسد، به روزنامه ۸صبح می‌گویند که پناهجویان افغان که دارای پاسپورت و اسناد قانونی اند نیز از سوی نیروهای امنیتی ایران ابتدا بازداشت شده و سپس به‌گونه اجباری اخراج می‌شوند. منابع اضافه می‌کنند که در مواردی پاسپورت‌های مهاجران افغان توسط پولیس ایران سوراخ و یا پاره نیز شده است. در همین حال، پناهجویان افغان که از ایران اخراج شده‌اند می‌گویند هنگامی که توسط

پولیس آن کشور اخراج می‌شدند گفتند که دارای پاسپورت و ویزه هستند، اما پولیس ایران گفته است که این پاسپورت در افغانستان ارزش دارد و در ایران ندارد. در همین حال، مقام‌های محلی طالبان در نيمروز تایید می‌کنند که در یک هفته گذشته بین ۷۰ تا ۸۰ مهاجر که پاسپورت نیز داشتند از ایران اخراج شده‌اند. این در حالی است که در ماه‌های اخیر روند اخراج پناهجویان افغان از ایران سرعت پیدا کرده است.

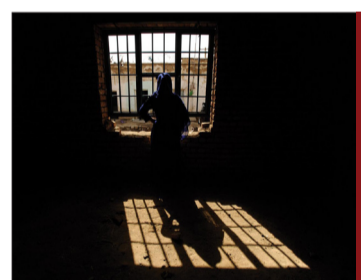
گشت زنی یک هواپیمای بی‌سرنشین در آسمان غزنی

۸صبح، غزنی: منابع محلی در غزنی از گشت‌زنی یک فروند هواپیمای بی‌سرنشین در حریم هوایی این ولایت خبر می‌دهند. منابع در صحبت با روزنامه ۸صبح می‌گویند که این هواپیما از صبح روز یکشنبه، ۲۹ اسد، به این‌سو بر فراز این ولایت گشت‌زنی دارد. بر اساس اطلاعات منابع محلی، این هواپیما در کنار شهر غزنی، در آسمان ولسوالی‌های اندر، ده

یک خوگیانی و واغظ این ولایت نیز دیده شده است. تاکنون معلوم نیست که این هواپیما بی‌سرنشین از کجا و چگونه وارد حریم هوایی افغانستان شده است. در جریان دو سال گذشته این ششمین بار است که هواپیماهای بی‌سرنشین در آسمان غزنی گشت‌زنی می‌کنند.

«می‌خواستم دختر مستقلی باشم»

شوق فراوان به یادگیری و پیشرفت در علم تنها آرمانی است که هنوز در دلش موج می‌زند. محدودیت‌هایی که دم‌به‌دم فراراه زنده‌گی...



کاهش انزوای بن‌المللی طالبان و افزایش رنج ملت افغانستان



جسد حلق‌آویز شده یک کودک در پکتیکا پیدا شد

۸صبح، پکتیکا: منابع محلی در پکتیکا می‌گویند که جسد حلق‌آویز شده یک کودک از داخل خانه‌شان در این ولایت پیدا شده است. منابع از این ولایت می‌گویند که جاش یکشنبه، ۲۹ اسد، جسد یک کودک ۱۰ ساله در ولسوالی جانی‌خیل این ولایت در حالی از داخل منزل‌شان پیدا شده که پس از حلق‌آویز شدن جان باخته است. اعضای خانواده و نزدیکان این کودک گفته‌اند که وی دست به خودکشی زده و جان باخته است. علت و انگیزه این رویداد تا کنون روشن نیست. طالبان نیز در این مورد چیزی نگفته‌اند. این در حالی است که نزدیک به یک ماه پیش نیز یک نوجوان ۱۴ ساله در این ولسوالی دست به خودکشی زده بود.



ادعای جبهه مقاومت ملی: سه طالب را در کاپیسا کشتیم

۸صبح، کاپیسا: جبهه مقاومت ملی افغانستان از حمله نیروهای این جبهه بر یک قرارگاه طالبان در کاپیسا خبر داده است. این جبهه با نشر خبرنامه و نوار تصویری گفته که این حمله حوالی ساعت ۲:۰۰ شنبه‌شب، ۲۸ اسد، بر یک قرارگاه طالبان در بازار شرکت نساجی گلپهار، از مربوطات ولسوالی حصه اول کوهستان انجام شده است. در خبرنامه ادعا شده است که در پی این حمله دست‌کم سه جنگ‌جوی طالبان کشته و دو تن دیگرشان زخمی شده‌اند. در همین حال، باشندگان محل وقوع درگیری در این منطقه را تایید کرده و می‌گویند که در این حمله از سلاح‌های سبک‌وسنگین استفاده شده است. طالبان تا کنون در این مورد چیزی نگفته‌اند. گفتنی است که جبهه مقاومت ملی روز شنبه، ۲۸ اسد، نیز اعلام کرده بود که در پی درگیری‌های ۱۲ روزه میان نیروهای این جبهه و طالبان در بدخشان، دست‌کم ۱۸ جنگ‌جوی طالبان و چهار عضو جبهه مقاومت ملی کشته‌اند. در روزهای اخیر فعالیت‌های جبهه‌های ضد طالبان در نقاط مختلف کشور به‌خصوص ولایت‌های کابل، پروان، بدخشان، تخار و کاپیسا افزایش پیدا کرده است.





کمک چین به طالبان برای کنترل شهروندان

پیش از این گزارش‌هایی وجود داشت که دولت چین شماری از افراد فنی‌اش را برای ترمیم و تنظیم دستگاه‌ها و سامانه‌های تجسسی استخبارات طالبان به کابل فرستاده است تا کاربرد آن‌ها را ارتقا ببخشند. این کار سود دوطرفه دارد. به طالبان کمک می‌کند که از مهارت‌های چین در زمینه جاسوسی مستفید شوند و به چین کمک می‌کند تا به درون دستگاه‌های استخباراتی طالبان نفوذ داشته باشد و اجازه ندهد که روابط طالبان با استخبارات کشورهای غربی از چشم دولت چین پنهان بماند. امروزه همه می‌دانند که یکی از میدان‌های اساسی جنگ و نبرد میان قدرت‌ها، جنگ استخباراتی و تجسسی است و چین اجازه نمی‌دهد که رقبا غربی‌اش در این جنگ، حداقل در همسایه‌گی‌اش سبقت بگیرند. تا این‌جای کار قابل درک است. کشوری که در دست گروهی افراطی سقوط کرده و این گروه با انواع سازمان‌های استخباراتی در حال زدوبند است، چین هم به خود حق می‌دهد که حداقل به اندازه سازمان‌های استخباراتی غربی، با آن ارتباط داشته باشد، به‌ویژه آن که طالبان با رویکرد شدیداً اتوکراتیک خود در بلندمدت هم‌پیمان استراتژیک چین خواهند بود، هرچند به لحاظ تاکتیکی تلاش دارند اعتماد کشورهای غربی را بیش‌تر حاصل کنند و پول بیش‌تری به چنگ بیاورند. در دستگاه استخبارات طالبان عناصر افغان و غیرافغان فراوانی هستند که از سال‌ها با سازمان‌های استخباراتی مختلف ارتباط داشته‌اند و اکنون نیز اطلاعات را به آن‌ها انتقال می‌دهند و در بدل آن به پول و امکانات قابل توجهی دست پیدا می‌کنند. سلطه‌ای که زاده استخبارات باشد، سرشت آن چیزی جز این ایجاد نمی‌کند، و این بازی به این زودی پایان نمی‌یابد.

آن‌چه برای شهروندان افغانستان نگران‌کننده است، گام دیگری است که بنا بر گزارش‌های تحقیقی تازه نشرشده، دولت چین در جهت همکاری با طالبان برداشته است و آن گسترش دامنه تجسس به سطح شهرها و نصب دستگاه‌هایی است که می‌تواند چهره یکایک شهروندان را شناسایی و رفتارشان را ثبت کند. با پیش‌رفت‌های فزاینده‌ای که هوش مصنوعی روزمره حاصل می‌کند، تمام داده‌های دریافتی با کامپیوترهای کوانتومی که استفاده از آن‌ها در سازمان‌های پیش‌رفته چینی مروج است، به‌آسانی قابل تجزیه و تحلیل است و از آن راه می‌توان حتا ذهن و روان انسان‌ها را نیز به خوانش گرفت. با این وضعیت چیزی به نام حریم خصوصی نمی‌ماند و انسان‌ها در خلوت درونی خود نیز تنها نخواهند بود. در واقع از این راه می‌توان انسان‌ها را هک کرد و آنان را به سطح اسیا و ابزار فروکاست، همان کاری که کم‌وبیش در حق شهروندان چین جریان دارد.

مردم افغانستان پیش از این تصویر بهتری از چین داشتند و آن را همسایه‌ای می‌دانستند که خود را از اختلافات و درگیری‌های داخلی افغانستان دور می‌گیرد و نمی‌خواهد جانب‌دارانه به سود یک جناح و به زیان جناح دیگری وارد عمل شود. این سیاست چین که دوری از دخالت در امور داخلی مردم افغانستان بود، سبب نوعی اعتماد و آرامش خاطر از بابت این همسایه شده بود. اما تغییر این رویکرد و نزدیک‌تر شدن دولت چین به طالبان و به‌ویژه کمک کردن به این گروه برای کنترل فزاینده شهروندان، شاید در کوتاه‌مدت سود سیاسی داشته باشد، اما در بلندمدت سبب بی‌اعتمادی گسترده‌ای در میان مردم افغانستان نسبت به چین می‌شود که قطعاً تبعات ناخوشایندی برای دو کشور همسایه خواهد داشت. سلطه‌های سیاسی می‌روند و ملت‌ها می‌مانند. نباید با کمک به سرکوب‌گران یک ملت، تخم دشمنی بلندمدت میان ملت‌های همسایه پاشید.

ادعای طالبان: داعش در افغانستان از سوی استخبارات خارجی حمایت می‌شود



۸صبح، کابل: به‌رغم انکار طالبان از حضور داعش در افغانستان، قاری فصیح الدین فطرت، رییس ارتش این گروه، ادعا می‌کند که سازمان‌های استخباراتی خارجی از شاخه خراسان داعش در اجرای حملات و درگیری‌ها در کشور پشتیبانی می‌کنند.

قاری فصیح الدین فطرت، روز یک‌شنبه، ۲۹ اسد، در برنامه حساب‌دهی سالانه این گروه به مردم بدون نام بردن از کشور خاصی گفت که استخبارات خارجی در درگیری‌ها و بم‌گذاری‌های گروه داعش دست دارند.

پیش از این شماری از مقام‌های طالبان از سرکوب شاخه خراسان داعش در افغانستان سخن زده‌اند.

رییس ارتش طالبان همچنان افزوده است که این گروه برای مبارزه با جنگ‌جویان داعش در کشور متعهد است.

پس از تسلط دوباره طالبان بر افغانستان، داعش حملات مرگباری را علیه این گروه و شهروندان کشور انجام داده است.

این مقام نظامی طالبان در حالی این اظهارات را بیان می‌کند که هفته گذشته سی‌بی‌اس نیوز به نقل از یک مقام طالبان گزارش داد که ملا هبت‌الله آخوندزاده، رهبر این گروه به‌دلیل تهدیدات احتمالی حملات هواپیماهای بدون سرنشین امریکا و حملات داعش در خفا زنده‌گی می‌کند.

طالبان هشت زن معترض در کابل را پس از چند ساعت بازداشت آزاد کردند



۸صبح، کابل: جنبش اتحاد و همبستگی زنان افغانستان می‌گوید که طالبان هشت عضو این جنبش را پس از چند ساعت بازداشت در کابل آزاد کرده‌اند.

جنبش اتحاد و همبستگی زنان افغانستان، روز دوشنبه، ۳۰ اسد، در اعلامیه‌ای در شبکه اجتماعی ایکس‌انگاشته است که اعضای این جنبش پس از دادخواهی مشترک مردم از قید طالبان آزاد شده‌اند.

گفتنی است که جنگ‌جویان طالبان که تا کنون مشخص نیست مربوط به کدام اداره این گروه بودند شام روز یک‌شنبه، ۲۹ اسد، این هشت تن را از منطقه خیرخانه شهر کابل از یک مکان سر بسته بازداشت کرده‌اند.

یک منبع به روزنامه ۸صبح گفت که این زنان هاجر، خاتول، لیمه، فریده محب، حسینا و سه تن دیگر بودند.

این منبع افزوده بود: «دخترها جمع شده بودند تا برنامه بگیرند، اما کوچه محاصره بود و بیرون شده

نتوانستند.»
به گفته او، پس از تارک شدن هوا طالبان وارد خانه شدند و این زنان و دختران را بازداشت کرده‌اند.

این در حالی است که طالبان پس از تسلط دوباره‌شان بر افغانستان، هر از گاهی تجمع شهروندان کشور به‌ویژه زنان را که به‌هدف ابراز مخالفت‌شان با سیاست‌های این گروه گردهم می‌آیند برهم زده و آنان را بازداشت و شکنجه می‌کنند.

نماینده مجلس ایران: بخش زیادی از آب هیرمند هدر می‌رود



۸صبح، کابل: به‌رغم گزارش کارشناسان ایرانی مبنی بر کمبود آب در سرچشمه‌های بند کجکی، محمد سرگزی، نماینده مردم زابل در مجلس این کشور می‌گوید که بخش زیادی از آب هیرمند هدر می‌رود.

به گزارش خبرگزاری انتخاب، سرگزی این موضوع را روز یک‌شنبه، ۲۹ اسد، بیان کرده است.

محمد سرگزی از طالبان خواسته است که مسوولیت‌های خود در قبال ایران را ادا کنند. وی افزوده است: «آب هیرمند نه مورد استفاده خود افغان‌ها است و نه به‌سمت ایران هدایت می‌شود و بخش عمده این آب هدر می‌رود.»

این نماینده مردم ایران همچنان تصریح کرده که در چند سال گذشته بندهای انحرافی کوچک و بزرگ متعددی از جانب افغانستان در مسیر هیرمند ایجاد شده است.

سرگزی خاطرنشان کرده است: «ما حق داریم برای

بررسی موضوع از ابتدای مسیر حرکت حقایق تا ورود به ایران بررسی‌هایی را انجام دهیم و هر تغییر غیرطبیعی باید توسط طرف مقابل برطرف شود.»
این در حالی است که چند روز پیش یک هیأت ایرانی از سدهای آبی حوزه غرب و جنوب‌غرب کشور بازدید کرده‌اند.

آنان در گزارش خود گفتند که به‌دلیل خشک‌سالی‌های اخیر در افغانستان، سد کجکی در ماه اسد کم‌ترین آب را در خود داشته است.

قمی: بازدید هیات ایرانی از دهراوود نشانه مثبت در روابط میان طالبان و تهران است

۸صبح، کابل: حسن کاظمی قمی، سفیر و نماینده ویژه ایران برای افغانستان گفته که بازدید هیات فنی جمهوری اسلامی ایران از دستگاه آب‌شناسی دهراوود نشانه مثبت در روابط میان طالبان و تهران است.

قمی روز یک‌شنبه، ۲۹ اسد، با نشر توییتی نوشته است که پابندی طالبان و عمل به بخشی از مفاد معاهده سال ۱۳۵۱ رودخانه هیرمند که منجر به بازدید تیم فنی ایران از دستگاه آب‌شناسی دهراوود شد، نشانه مثبتی بر آغاز تعاملات سازنده در اعتماد سازی و حسن همجواری می‌باشد.



او افزوده است: «طبق نظر کارشناسان اعزامی که جریان آب در ایستگاه آب‌سنجی دهراوود را مشاهده و اندازه‌گیری نموده‌اند، میزان جریان آب در حال عبور در مرداد ماه ۱۴۰۲ کمتر از میزان ماهانه یک سال آبی نورمال گزارش شده است.»

قمی تصریح کرده است که انتظار می‌رود مقدار حقایق ایران از رودخانه هیرمند به درستی و با عدالت اندازه‌گیری و مطابق به معاهده به طرف ایرانی تحویل داده شود.

این در حالی است که به تاریخ ۲۲ اسد سال روان، وزارت خارجه طالبان تأیید کرد که زمینه بازدید هیات جمهوری اسلامی ایران از دستگاه آب‌شناسی دهراوود، در ولایت ارزگان مساعد شد تا جریان آب را مشاهده و اندازه‌گیری کنند.

حقایق ایران از رود هیرمند در ماه‌های اخیر به بحث داغ میان طالبان و تهران مبدل شده است.

دولت ایران طرف طالبان را متهم می‌کند که حقایق آن کشور را از دریای هلمند نمی‌دهد، اما طالبان ادعا دارند که به‌دلیل خشک‌سالی، افغانستان با کم‌آبی روبه‌رو بوده و با توجه به مقدار آبی که در رودخانه هلمند جاری است، حقایق ایران را به‌پیمانه کافی داده‌اند.

طالبان محصول گمرکی صادرات یک تن زغال سنگ را از ۴۵ به ۳۰ دالر کاهش دادند

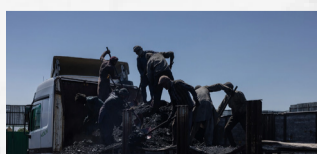
۸صبح، کابل: وزارت معادن و پترولیوم تحت مدیریت طالبان محصول گمرکی صادرات یک تن زغال‌سنگ را از ۴۵ به ۳۰ دالر کاهش داده است.

وزارت معادن و پترولیوم تحت مدیریت طالبان روز یک‌شنبه، ۲۹ اسد، با نشر خبرنامه‌ای نوشته که تعرفه روایتی صادرات هر تن زغال‌سنگ نیز از دو هزار و ۵۰۰ افغانی به دو هزار و ۲۰۰ افغانی کاهش یافته است.

این وزارت تصریح کرده که کاهش در محصول گمرکی صادرات زغال‌سنگ براساس پیشنهاد این وزارت و حکم رهبری طالبان به هدف ایجاد سهولت برای تاجران و تشویق بیشتر سرمایه‌گذاران انجام شده است.

گفتنی است که صادرات زغال‌سنگ از بدو تسلط طالبان بر افغانستان تا کنون، یکی از دغدغه‌های اصلی شهروندان کشور به شمار می‌رود.

طالبان زغال‌سنگ باکیفیت افغانستان را در بدل بهای ناچیز به پاکستان صادر می‌کنند.



دهها مورد تجاوز بدون پیگیری و مجازات!

پرونده‌های جنسی طالبان قطورتر می‌شود

بر اساس ارقام، تاکنون بیش از ۴۰ طالب در دو سال اخیر در هنگام تجاوز جنسی بر دختران و زنان یا برقراری رابطه جنسی با کودکان پسر بازداشت شده‌اند. بیشتر این رویدادها در ولایت‌های پروان، بدخشان، غور، قندهار، بامیان، فراه، سرپل، سمنگان، تخار، بغلان، پنجشیر، فاریاب، ننگرهار و کنر اتفاق افتاده است.



امین کاوه

می‌خواستند بالای یک دختر در غور تجاوز کنند، پس از ممانعت دختر او را با ضرب گلوله کشته‌اند. قابل ذکر است که تجاوز طالبان تنها به این مورد خلاصه نمی‌شود. اعضای این گروه در مواردی حتا برخی زنان را بدون رضایت شوهرشان به نکاح درآورده‌اند. افراد مسلح طالبان در شهر فیروزکوه، مرکز غور، با تهدید اسلحه طلاق همسر یک نظامی پیشین را بدون رضایت شوهرش گرفتند. این افراد شب هنگام در ساحه فامیلی‌های میدان هوایی وارد خانه فردی به نام حبیب‌الله شدند و با زور این نظامی پیشین را وادار کردند تا همسرش را طلاق بدهد. این زن در مدرسه یکی از مقام‌های این گروه در غور به‌عنوان استاد کار می‌کرد.

در برخی مواقع نیز شماری از اعضای طالبان در هنگام تجاوز جنسی کشته یا از سوی مردم بازداشت شده‌اند. جلال، یکی از فرماندهان محلی این گروه در روستای بایدل‌دره ولسوالی نرنگ کنر پس از آن کشته شد که به قصد تجاوز جنسی وارد یک خانه شده بود. هم‌چنان سال گذشته شماری از باشندگان روستای صاد سیاه، مرکز ولایت غور، یک جنگ‌جوی طالبان را پس از آن بازداشت کردند به‌دنبال ممانعت یک دختر هنگام تجاوز جنسی، او را به قتل رسانده بود. هم‌چنان در جریان سال جاری نوارهای تصویری از ولایت غور نشر شد که در آن، مردم محل در روستای قطس، از مربوطات شهر فیروزکوه، مانع افرادی شدند که می‌خواستند بر یک زن تجاوز جنسی کنند.

گفتنی است که این موارد بخشی از رویدادهای همه‌گانی شده از قضایای تجاوز جنسی طالبان است. بیشتر موارد این چنینی به دلیل سنتی بودن جامعه و عدم دسترسی رسانه‌ها، از چشم مردم پنهان می‌کند. با این حال، در روزهای اخیر و به‌دنبال نشر ویدیویی از هم‌خوابی ملا احمد آخوند، رییس طالبان برای ریاست برق کابل، تجاوز جنسی طالبان و بچه‌بازی افراد این گروه دوباره به موضوع داغ مبدل شده است. در ویدیویی که افغانستان انترنشنال منتشر کرد، دیده می‌شود که این مقام طالبان با یک تن که ظاهراً محافظ او است، در یک بستر می‌خوابد. طالبان در مواردی این رویدادها را در روی کاغذ پیگیری کرده‌اند، اما در ادامه بدون محکمه یا مجازات افراشان، چنین پرونده‌هایی را بسته‌اند.

تجاوز جنسی بازداشت شده‌اند. ملا نعمت‌الله فاتح، ولسوال پیشین و شهردار برحال طالبان برای ولسوالی برکه بغلان نیز به اتهام تجاوز جنسی بر یک قابله بازداشت شده است. منابع ادعا می‌کنند که پیش از بازداشت او، شش عضو دیگر این گروه در هنگام تجاوز جنسی بازداشت شده بودند. هم‌چنان یک محافظ ملا آصف، قوماندان امنیه ولسوالی خوست و فرنگ ولایت بغلان بالای یک زن در دره خواهوش تجاوز کرد. منابع محلی در پنجشیر نیز گفتند که یک فرمانده طالبان در این ولایت به اتهام تجاوز جنسی بر یک پولیس زن بازداشت شده است. منابع از او به نام متقی نام بردند و تصریح کردند که این فرد عضو کمیسیون نظامی طالبان در پنجشیر است. مولوی شریف، آمر حوزه دوم طالبان در شهر میمنه نیز بالای همسر یک عضو خیزش‌های مردمی نظام پیشین در ولایت فاریاب تجاوز جنسی کرده بود. یک فرمانده دیگر این گروه به نام گلزار گجر به بهانه بازرسی خانه‌ها وارد یک خانه شد و بر یک زن تجاوز جنسی کرد. این رویداد در ولسوالی ورسج ولایت تخار در خانه یکی از بزرگان قومی رخ داد.

در میان قربانیان تجاوزهای جنسی طالبان، کودکان دختر نیز شامل هستند. در یک رویداد، دو طالب مسلح در روستای خانقاه ولسوالی سوزمه‌قلعه سرپل بر یک زن و دو دخترش که ۱۲ سال و ۱۴ سال داشتند، تجاوز جنسی کرده بودند. هرچند آن رویداد رسانه‌ای شد و اعضای خانواده خواستار مجازات عاملان آن شدند، اما اقدامی در این راستا صورت نگرفت. هم‌چنان کودکان پسر نیز از تجاوز طالبان در امان نمانده‌اند. بر بنیاد اطلاعات ثبت شده، دو جنگ‌جوی طالبان به نام‌های صابرخان حقانی و کریم سنگری در حومه شهر جلال‌آباد بر یک پسر ۱۷ ساله تجاوز جنسی کردند. پدر این پسر در ادامه به دادستانی طالبان در ننگرهار مراجعه کرده و خواهان مجازات عاملان این تجاوز شد.

در مواردی اعضای طالبان قربانیان تجاوز جنسی را به قتل رسانده‌اند. در یک رویداد، دو محافظ ولسوال طالبان برای ولسوالی روی‌دوآب سمنگان سال گذشته بر دو دختر تجاوز جنسی کردند و سپس آنان را در مقابل چشمان خانواده‌هایشان سر بریدند. افزون بر این، پسر یک فرمانده طالبان و همراهی با یک جنگ‌جو این گروه هنگامی که

کوکلامی، روستایی که این رویداد در آن رخ داده است، با سنگ‌چوب مانع رنج طالبان شدند. در ادامه نیز فرمانده کندک این گروه در سالنگ میانچی‌گری کرده است و افراد متهم بازداشت شده‌اند. مردم محل اما گفتند که با توجه به سابقه برخورد طالبان، باور دارند که این افراد دوباره آزاد می‌شوند.

ولایت بدخشان در جریان دو سال حاکمیت طالبان بارها شاهد چنین رویدادهایی بوده است. بیشتر منابع گزارش دادند که یک دختر در روستای چاکران ولسوالی وردج بدخشان از سوی قاری معصوم‌الله، مدیر عواید ولسوالی بهارک، مورد تجاوز جنسی قرار گرفته است. این دختر مدعی شده بود که در پی تجاوز جنسی بر وی، حامله شده است. یک منبع گفت که فرد متهم از ساحه فرار کرده است و طالبان به جای اقدام در راستای بازداشت او، قربانی این قضیه را بازداشت کرده‌اند. هم‌چنان در ۱۴ حمل سال جاری، یک مسوول طالبان در یک کلینیک که خسریه والی طالبان برای بدخشان بود، بر یک کارمند زیر دستش به نام شکر به تجاوز کرد. او پس از دادن داوروی بی‌هوشی به قربانی، مرتکب تجاوز جنسی شده بود. شکر به در ادامه خودکشی کرد، اما طالبان این پرونده را بدون تحقق عدالت بستند. بر اساس آمارها، در دو سال حاکمیت طالبان، فرماندهان مشهور این گروه نیز در پیوند به تجاوز جنسی یا برقراری رابطه با پسران بازداشت، اما در ادامه به احترام از بند رها شده‌اند. نورالله عادل، رییس محیط زیست طالبان برای قندهار، سیدمهدی، رییس استخبارات طالبان در بامیان، مولوی عبدالجبار، رییس مبارزه با حوادث طالبان در فراه، مولوی ضیال‌الحق دشتی، رییس صحت عامه طالبان در فراه، قاری نوراحمد سعید ممتاز، رییس صحت عامه طالبان در سرپل و مولوی ریحان، شهردار سمنگان در هنگام تجاوز جنسی بازداشت شده‌اند. تنها در هفته‌های اخیر، دست کم پنج مقام طالبان در تخار به تجاوز جنسی متهم شده‌اند. مولوی نصرالله حدیفه، فرمانده امنیه طالبان در تخار به اتهام تجاوز جنسی به کابل فراخوانده شده است. هم‌چنان قاری خنجر، معاون فرماندهی امنیه ولسوالی خواجه غار، قاری حماس، مدیر اداره صحت‌عامه ولسوالی دشت قلعه و مولوی معروف از مسوولان طالبان در این ولایت هستند که به اتهام

طالبان در جریان حاکمیت‌شان تا کنون دهها شهروند را به اتهام رابطه خارج از ازدواج بازداشت کرده یا در محضر عام شلاق زده‌اند. با این حال، شماری از اعضای این گروه، از جمله فرماندهان‌شان که در پیوند به ارتکاب تجاوز جنسی بازداشت می‌شوند را دوباره آزاد می‌کنند. آمارها نشان می‌دهد که در دو سال اخیر بیش از ۴۰ عضو این گروه در پیوند به قضایای مختلف تجاوز جنسی بازداشت شده‌اند. زنان، دختران و کودکان در میان قربانیان این پرونده‌ها شاملند. در مواردی نیز شماری از جنگ‌جویان طالبان در برخی از ولایت‌ها پس از تجاوز جنسی، زنان را در مقابل چشمان اعضای خانواده‌هایشان تیرباران کرده‌اند. در کنار این پرونده‌ها، جنگ‌جویان و فرماندهان طالبان متهم به هم‌خوابی با کودکان پسر و تجاوز بر آنان نیز هستند. شهروندان معتقدند که اعضای طالبان پس از بازداشت در پیوند به قضایای تجاوز جنسی، با احترام کامل از بند رها می‌شوند، در حالی که این گروه متهمان غیرخودی که شهروندان عادی هستند را حتا به علت سوءظن در محضر عام شلاق می‌زند. گفتنی است که با وجود تکرار این رویدادها و واکنش‌های گسترده نهادهای حقوق بشری، طالبان در راستای مجازات عاملان آن هیچ اقدامی نکرده‌اند.

هم‌زمان با ادامه روند مجازات شهروندان توسط طالبان به اتهام روابط خارج از ازدواج، آمارها نشان می‌دهد که اعضای این گروه در دو سال اخیر به‌گونه گسترده مرتکب تجاوز جنسی شده‌اند. با این همه، تا کنون هیچ عضو طالبان در پیوند به این قضایا محکمه یا مجازات نشده‌اند. بر اساس ارقام، تاکنون بیش از ۴۰ طالب در دو سال اخیر در هنگام تجاوز جنسی بر دختران و زنان یا برقراری رابطه جنسی با کودکان پسر بازداشت شده‌اند. بیشتر این رویدادها در ولایت‌های پروان، بدخشان، غور، قندهار، بامیان، فراه، سرپل، سمنگان، تخار، بغلان، پنجشیر، فاریاب، ننگرهار و کنر اتفاق افتاده است. در تازه‌ترین مورد، هفته گذشته سه عضو طالبان هنگامی که می‌خواستند یک دختر جوان را از ولسوالی سالنگ پروان بریاوند، با ممانعت باشندگان محل روبه‌رو شدند. آنان حوالی ساعت ۹:۰۰ شب بر منزل یک تن از باشندگان یورش بردند. منابع می‌گویند که باشندگان دوآب دره

دیده‌درایی و فهم وارونه طالبان

مرض دیده‌درایی هم در میان این گروه بسیار شایع است. این گروه که از روز اول حضور خود مردم افغانستان را از کشته و زندانی شدن به اصطلاح «عفو» کرده بود، پس از آن فرمان چنان کشتاری راه انداخته است که آن سرش ناپیداست. گزارش‌هایی که نشر می‌شود، به دلیل محدودیت‌های سخت‌گیرانه طالبان بر اطلاع‌رسانی، گوشه‌ای از کشتار این گروه می‌تواند باشد. با این حال، هنوز با دیده‌درایی تمام، «عفو عمومی» خود را به مردم می‌فروشند.

از سوی دیگر، پس از تسلط طالبان بر کشور، دختران و زنان از آموزش و کار منع شده‌اند، اما هرازگاهی مقام‌های این گروه ادعا می‌کنند که آن‌ها مخالف آموزش زنان نیستند. مکتب دخترانه را می‌بندند، آن‌ها را از اشتراک در صنف‌های کاملاً دخترانه مراکز آموزشی منع می‌کنند و دانشگاه‌ها را به روی آن‌ها می‌بندند، بعد سخنرانی می‌کنند که با آموزش دختران دشمنی ندارند. این دیگر به فهم وارونه طالبان ربط نمی‌گیرد. آن‌ها این مفاهیم ساده را می‌فهمند، اما با چشم‌پاره‌گی تمام به مردم نگاه می‌کنند و دروغ می‌گویند. همان‌گونه، این گروه بارها وجود گروه‌های تروریستی در افغانستان را رد کرده و همین دیروز هم وزارت دفاع طالبان آن را یک بار دیگر رد کرد، اما به‌صورت متعدد از عملیات بر مخفی‌گاه‌های نیروهای داعش خبر می‌دهد و یا در مورد انتقال جنگ‌جویان تی‌تی‌پی از جنوب و مشرق به شمال شرق کشور سخن می‌گوید. وجود رهبران القاعده در افغانستان را انکار می‌کند، اما او در حمله امریکایی‌ها در کابل کشته می‌شود.

در حالی که کشور بازار پررونق مواد مخدر است، از امحای این مواد سخن می‌گویند. از یک سو دستی در تولید و تجارت مواد مخدر دارند و از سوی دیگر شعار مبارزه با آن را سر می‌دهند. همچنان گزارش‌های نهادهای تحقیقی و سازمان‌ها از وجود حداقل ۲۰ گروه تروریستی در کشور خبر می‌دهند و مردم عملاً مورد حملات برخی از این گروه‌ها قرار می‌گیرند، اما طالبان به دوربین چشم می‌دوزند، لبخند می‌زنند و می‌گویند داعش و القاعده و دیگر گروه‌های مسلح بنیادگرا در افغانستان حضور ندارند. از خاک افغانستان بر کشورهای همسایه، مشخصاً همسایه‌های شمالی حملات راکتی می‌شود، اما این گروه می‌گوید به کسی اجازه استفاده از خاک افغانستان علیه همسایه‌ها را نمی‌دهد.

این حجم از دیده‌درایی، فقط می‌تواند در منطق حاکمان طالب بگنجد. یکی از مواردی که با دیده‌درایی طالبانی ادعا شده، احترام به مذاهب در افغانستان است. ملا عبدالسلام حنفی، معاون رییس‌الوزرای طالبان، در دیدار با برخی از ملاحی شیعیه در ۲۸ اسد گفته است که «امارت اسلامی اجازه نفاق‌افگنی میان مردم و مذاهب در کشور را نمی‌دهد». این در حالی است که همین گروه خود همه مظاهر مذهب جعفری را از دولت و جامعه و نهادهای آموزشی حذف کرده و با آن در دشمنی وارد شده است. همین گروه مذهب جعفری را از رسمیت انداخته، تدریس فقه جعفری در دانشگاه‌ها را منع کرده و رخصتی عاشورا به‌عنوان یک رویداد مذهبی شیعیان را از تقویم حذف کرده است. همین گروه که ادعا می‌کند به کسی اجازه نفاق‌افگنی میان مذاهب را نمی‌دهد، خود کشتار ملاحی سلفی را به‌عنوان یک کارزار راه انداخته است. بنابراین، طالبان هم در مواجهه با مردم افغانستان دیده‌درا و چشم‌پاره‌اند و هم به‌شدت گرفتار فهم وارونه از پدیده‌ها و ارزش‌ها. چنین فهم و دیده‌درایی است که مانع درک متقابل میان مردم و طالبان شده است.

خم به ابرو نمی‌آورند و امنیت را تامین‌شده می‌خوانند؟

به نظر می‌رسد طالبان دچار هر دو مصیبت‌اند؛ هم فهم وارونه و هم دیده‌درایی یا به اصطلاح چشم‌پاره‌گی. بخشی از جنگ‌جویان کم‌سواد و بی‌سواد این گروه، فهم وارونه از امنیت دارند. شاید برخی از رهبران طالبان نیز دچار این توهم باشند و فکر کنند همین که خودشان دیگر حمله انتحاری نمی‌کنند و مثلاً می‌بینند که پل محمودخان در پیش روی دفتر ملا یعقوب در دو سال گذشته سالم مانده و انفجار داده نشده، به معنای تامین امنیت است. از سویی، برخی از آن‌ها شاید فکر کنند که تامین امنیت یعنی نیروهای امنیتی دولت افغانستان و همکاران خارجی آن‌ها دیگر بر طالبان حمله نمی‌کنند و آن‌ها را نمی‌کشند. این وضعیت شاید برای آن‌ها امنیت خوانده شود، اما برای مردم افغانستان که طالبان مخل امنیت آن‌ها بودند و هستند، سلطه این گروه احساس امنیت را نابود کرده است. اگر طالبان می‌خواهند احساس امنیت را بفهمند، خود را به جای مردم قرار دهند. آن زمان خواهند فهمید که تفنگ‌به‌دست تازه‌وارد به شهر در حالی که آموزش کشتار دیده اما آموزش تامین امنیت ندیده، چه قدر دل مردم را می‌لرزاند. آن زمان درک خواهند کرد که دیدن صبحگاهی جنگ‌جویان طالبان، چگونه همه روز مردم را خراب می‌کند. آن زمان معنای «امنیت» و «احساس امنیت» برای مردم کشور را خواهند فهمید. اما حالا که خود را در حصر دیوارهای کانکریتی قید کرده‌اند و در بیرون از آن‌جا با گروه‌های پرتعداد محافظ و موترهای زرهی می‌گردند، فهم آن‌ها از پدیده امنیت با آن چه مردم می‌فهمند، نزدیک نیست. بنابراین، دسته‌ای از طالبان دچار این سوءتفاهم هستند که توقف حملات مستقیم خود آن‌ها بر تجمعات مردمی یا توقف حملات دولت بر این گروه، امنیت معنا می‌دهد. این‌ها از امنیت فهم وارونه و خلاف فهم مردم دارند.



گذشته. نهادهای کمک‌رسان هم هرازگاهی به آن‌ها سر می‌زدند و کمک‌های غذایی و غیرغذایی توزیع می‌کردند. دولت جمهوری نیز دستی در مدیریت آن بی‌جاشدن‌های کتله‌ای داشت و در مواردی کمک‌های مالی ارایه می‌کرد. طالبان می‌توانند اسناد این موارد را از وزارت مهاجرین و عودت‌کننده‌گان به دست آورند. رسانه‌ها هم گزارش‌های نوشتاری، صوتی و تصویری بسیاری نشر کرده‌اند که با یک جست‌وجوی ساده در انترنت، می‌توان آن‌ها را یافت. مردمی که از آوازه ورود طالبان می‌ترسیدند و عموماً از روستاها به شهرها یا روستاهای دیگر به‌صورت موقت بی‌جا می‌شدند، حالا در نقطه‌نقطه کشور و در هر وضعیتی سایه سنگین جنگ‌جویان تا به دندان مسلح اما ناآشنا با مردم‌داری و اصول بشردوستانه را حس می‌کنند و ترس مدام را به تجربه می‌گیرند. آن‌هایی که دوستان، زمین و خانه‌های خود را صرف به دلیل حضور طالبان در منطقه ترک می‌کردند تا با این گروه مواجه نشوند، حالا جایی ندارند که در آن از حضور این گروه فرار کنند. مردمی که قربانی حملات انتحاری و انفجارهای طالبان در دو دهه گذشته بودند، حالا قاتلان خود را در دروازه خانه‌های خود می‌بینند.

آن‌ها مردم افغانستان هستند و احساس امنیت را باید از آن‌ها پرسید. احساس امنیت را از بیوه‌زنی که شوهرش را حمله انتحاری طالبان از او گرفت و خود از دست آن گروه فرار کرده بود، اما حالا جنگ‌جویان بی‌نظم این گروه را در پیش دروازه خانه‌اش می‌بیند، باید پرسید. این که رهبران طالبان در پشت دیوارهای ارگ نشسته‌اند و موترهای زرهی جامانده از نظام پیشین را سوار می‌شوند و توسط محافظان امنیتی محافظت می‌گردند، اما از تامین امنیت سخن می‌گویند، این سوال را خلق می‌کند که آیا اعضای این گروه از امنیت فهم وارونه دارند یا آن قدر دیده‌درایی دارند که به رغم حملات گوناگون و خونین‌ترین انفجارها در مساجد و مراکز آموزشی، باز هم

که، فهم ستوده



بخشی از جنگ‌جویان کم‌سواد و بی‌سواد این گروه، فهم وارونه از امنیت دارند، شاید برخی از رهبران طالبان نیز دچار این توهم باشند و فکر کنند همین که خودشان دیگر حمله انتحاری نمی‌کنند و مثلاً می‌بینند که پل محمودخان در پیش روی دفتر ملا یعقوب در دو سال گذشته سالم مانده و انفجار داده نشده، به معنای تامین امنیت است. از سویی، برخی از آن‌ها شاید فکر کنند که تامین امنیت یعنی نیروهای امنیتی دولت افغانستان و همکاران خارجی آن‌ها دیگر بر طالبان حمله نمی‌کنند و آن‌ها را نمی‌کشند.

«تأمين امنیت» کلیدی‌ترین عبارتی است که از سوی گروه طالبان به مردم افغانستان و جامعه جهانی فروخته می‌شود. این گروه که در دو دهه گذشته مردم را در جاده‌ها، شاهراه‌ها، شفاخانه‌ها، مکتب‌ها و حتا تجمعات ورزشی مورد حمله قرار می‌داد و امنیت و آسایش را از آن‌ها سلب کرده بود، حالا که نقش‌ها بدل شده و گروه‌های دیگر از جمله داعش بر مردم حمله می‌کنند و طالبان مسوولیت امنیت را برعهده گرفته‌اند، مدام ادعا دارد که امنیت تامین است. از جانب دیگر، همین حالا که طالبان امنیت را همچون بره پیشانی‌سفيد خود تبلیغ می‌کنند، مردم نه در خانه آرامش دارند و نه در بیرون از آن. زنان و مردان در جاده‌ها، در ادارات دولتی و حتا در محل کار خود احساس امنیت نمی‌کنند.

بخش بزرگی از این مردم افغانستان، به دلیل ناامنی در دو دهه گذشته بی‌جا شده‌اند. هر بار که حملات گروه طالبان افزایش می‌یافت یا حضور جنگ‌جویان این گروه در منطقه‌ای احساس می‌شد، مردم نسبت به امنیت خود و خانواده‌های خود نگران می‌شدند و منطقه را ترک می‌کردند. کم گزارش نداریم از کوچ‌های گروهی غیرنظامیان هنگام ورود یا در آستانه ورود طالبان به یک ولسوالی یا یک منطقه در بیست سال

طالبان محلی بر اساس سلیقه خود مهریه تعیین می‌کنند

طالبان در ولسوالی لعل و سرچنگل غور هزینه مهر و طویانه زنان را مشخص کرده‌اند. بر اساس این تصمیم گفته شده است که مهر معجل (حضوری) ۲۵۰ هزار افغانی باشد و مهر موجل (غایب) طبق توافق طرف‌ها، اما با میزان کمتر تعیین شود. قطع‌نامه طالبان در غور شامل شش بند است. در بند اول این قطع‌نامه افزون بر مهریه، دیگر مصارف عروسی نیز مشخص شده است. بر اساس این قطع‌نامه، خانواده پسر برای خانواده دختر باید ۱۰ رأس گوسفند، سه بوری برنج سیله اول، سه پیپ روغن ۱۶ لیتره، یک سیر چای سبز، یک بوری شیرینی، یک بوری شکر، ۵۰ سیر گندم و ۵۰ متر رخت تسلیم دهد.



کے اسماعیل سادات

خواست که در خطبه‌های نماز جمعه گرفتن مهریه را غیرشرعی اعلان کنند.

با این حال، برخلاف فرمان رهبر طالبان و دستور وزارت حج ارشاد و اوقاف این گروه، فرماندهان محلی و شورای علمای طالبان سقف مهریه برای دختران جوان و زنان بیوه را در ولایت‌ها بر اساس سلیقه‌های شخصی خود تعیین کرده‌اند. بر اساس اطلاعات، طالبان محلی با برگزاری نشست شورای علمای اقدام به این کار کرده‌اند. از جمله، طالبان محلی در جوزجان میزان مهریه دختران جوان و مصارف عروسی را ۴۰۰ هزار افغانی اعلام کرده‌اند. سیدصلاح‌الدین، عضو شورای عالمان دین طالبان در ولسوالی آقچه گفت که این تصمیم در پی مشوره‌های زیاد گرفته شده است. او تصریح کرد که با این تصمیم، خانواده‌ها مکلف‌اند که فراتر از ۴۰۰ هزار افغانی مهریه برای دختر جوان دریافت نکنند.

همچنان شورای عالمان دین طالبان در ولسوالی جبل السراج پروان ماه گذشته قطع‌نامه را در مورد مهریه و مصارف عروسی صادر کرده که سپس از سوی نهادهای محلی این ولایت تایید و بر تطبیق آن تاکید شده است. بر بنیاد قطع‌نامه‌ای که نسخه‌ای از آن در اختیار روزنامه ۸صبح قرار گرفته، عالمان دین طالبان در جبل السراج و مسوولان محلی‌شان برای مهریه دختران جوان و زنان بیوه سقف تعیین کرده‌اند. این

همچنان مسوولان طالبان در ولسوالی حصه اول کوهستان کاپیسا برای دختران جوان مبلغ ۱۵۰ هزار افغانی مهریه در نظر گرفته‌اند. عبدالمتین سعید، ولسوال طالبان برای ولسوالی حصه اول کوهستان در نشست با مردم در مرکز این ولسوالی گفته است که مهریه زنان بیوه ۸۰ هزار افغانی است. او تاکید کرده است که هیچ هزینه دیگری مربوط خانواده پسر نمی‌شود. وی با تاکید بر این فیصله، هشدار داده است که هرگاه کسی از آن سرپیچی کند، ۱۵۰ هزار افغانی جریمه و از سوی دادگاه طالبان مجازات خواهد شد.

در ولایت‌های جنوب‌شرقی کشور نیز طالبان محلی اقدام به تعیین مهریه زنان کرده‌اند. شورای علمای ولسوالی سمکنی پکتیا فیصله کرده‌اند که پس از این طویانه دختران مبلغ ۵۰۰ هزار افغانی گرفته شود. بر اساس این توافق، مهریه زنان بیوه ۳۰۰ هزار افغانی تعیین شده است. طالبان محلی تاکید کرده‌اند که هر گاه کسی از این توافق سرپیچی کند، ۶۰۰ هزار افغانی جریمه خواهد شد. به گفته عزت‌الله مخلص، ولسوال طالبان برای ولسوالی سمکنی، کسانی که این توافق را عملی نکنند، نکاح‌شان اجرا نخواهد شد. در همین حال، برخی شهروندان می‌گویند که طالبان شرایط برای مردم را بر اساس منافع خودشان تعیین می‌کنند. محمدمحسن (نام مستعار)، یک تن از بزرگان قومی در شمال افغانستان می‌افزاید که اختلافات میان طالبان و رهبری این گروه در بیشترین بخش‌ها، از جمله تعیین سقف مهریه وجود دارد و افراد این گروه با توجه به تضاد منافع، دیدگاه واحد ندارند. او افزود که برخی مسوولان محلی این گروه در ولایت‌های شمال و شمال‌شرقی تلاش دارند تا از فرمان ملا هبت‌الله برای نکاح دختران به جنگ‌جویان‌شان استفاده کنند، در حالی که برخی دیگر با توجه به منافع خودشان، بر دریافت مهریه تاکید دارند.

پیش از این، منابع در شمال کشور به روزنامه ۸صبح گفته بودند که طالبان تلاش دارند تا با استفاده از فرمان ملا هبت‌الله، زمینه ازدواج برای جنگ‌جویان‌شان را فراهم کنند. در این میان، یک منبع تصریح کرده بود که جنگ‌جویان خارجی طالبان نیز با استفاده از این فرصت، می‌خواهد ازدواج کنند تا حضورشان در افغانستان دایمی شود. این در حالی است که شماری از اعضای طالبان با پرداخته مهریه‌های هنگفت، اقدام به ازدواج می‌کنند؛ اقدامی که بیانگر اختلاف دیدگاه میان طالبان است.

قطع‌نامه از سوی اداره امر به معروف و نهی از منکر طالبان نیز امضا شده است. در فیصله طالبان آمده است که مهر معجل دختر جوان ۱۰۰ هزار افغانی تعیین شده است که ۳۰ هزار افغانی آن مستقیم در اختیار عروس قرار داده شود. افزون بر این، مصارف خانواده عروس تا ختم مراسم نیز باید از همین پول هزینه شود. در کنار آن، مهر معجل زنان بیوه نیز مبلغ ۵۰ هزار افغانی به اضافه ۱۰ گرام طلا تعیین شده است.

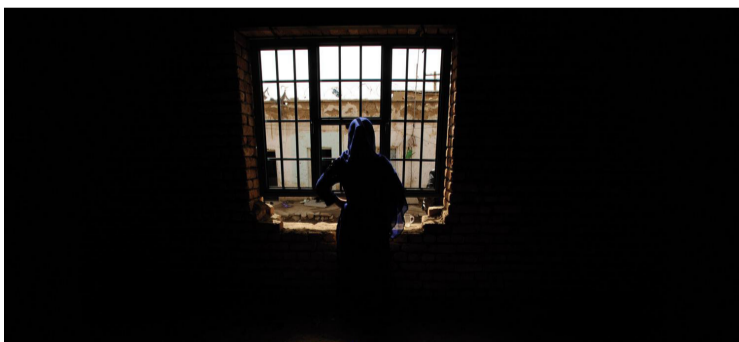
طالبان در ولسوالی لعل و سرچنگل غور هزینه مهر و طویانه زنان را مشخص کرده‌اند. بر اساس این تصمیم گفته شده است که مهر معجل (حضوری) ۲۵۰ هزار افغانی باشد و مهر موجل (غایب) طبق توافق طرف‌ها، اما با میزان کمتر تعیین شود. قطع‌نامه طالبان در غور شامل شش بند است. در بند اول این قطع‌نامه افزون بر مهریه، دیگر مصارف عروسی نیز مشخص شده است. بر اساس این قطع‌نامه، خانواده پسر برای خانواده دختر باید ۱۰ رأس گوسفند، سه بوری برنج سیله اول، سه پیپ روغن ۱۶ لیتره، یک سیر چای سبز، یک بوری شیرینی، یک بوری شکر، ۵۰ سیر گندم و ۵۰ متر رخت تسلیم دهد. این تصمیم توسط آمر امر به معروف لعل و سرچنگل، محتسب این ولسوالی، محمدرضا محمدی، آمر مالی و اداری، برهان‌الدین، آمر استخبارات و دیگر مسوولان بلندرتبه طالبان در این ولسوالی امضا شده است. در بخشی از تصمیم طالبان محلی آمده است که مصارف مجموعی این موارد از ۸۰ هزار افغانی بیشتر نشود. همچنان در ادامه آمده است که این مقدار مصارف از جانب مرد برای زن پرداخت شود و زن می‌تواند آن را در اختیار پدر، مادر، برادر یا یکی از اقارب خویش قرار دهد.

افزون بر این ولایت‌ها، طالبان در بدخشان مهریه عروسی را ۲۰۰ هزار افغانی تعیین کرده‌اند. منابع در ولسوالی‌های حوزه راغ بدخشان می‌گویند که طالبان در عروسی‌های مردم به‌غیر از مصارف اضافی، ۲۰۰ هزار افغانی مهریه در نظر گرفته‌اند.

لنگل زن

«می‌خواستم دختر مستقلی باشم»

کے نوشابه ار صلح



و رنج‌های فراوان تنها دخترش را بزرگ می‌کند. و در آن سوی زنده‌گی شکریه، تنها آرزوها و رویاهایی بود که مقصد و هدف زنده‌گی‌اش را تعیین می‌کرد. مادرش روزهای پرمشقت را گذرانده تا تنها فرزندش را به مکتب بفرستد. او که تمام جوانی‌اش را به پای همین تک فرزندش می‌ریزد، برای آینده دور شکریه برنامه‌هایی ریخته است که فقط برنامه مانده‌اند.

زن بودن و تنها زنده‌گی کردن در جامعه ما کار آسانی نیست. زنی که تمام عمرش را به پای تنها دخترش ریخته است با سلیلی از مشکلات روبه‌رو است؛ این خودش شهادتی است که تنها از دست زن‌هایی مثل مادر شکریه برمی‌آید. او برخلاف عرف و عنعنات قومی‌شان توانسته بود با تنها دخترش زنده‌گی کند. شکریه تا به امروز با مشکلات زیادی دست به گریبان بوده است؛ روی خوشی از زنده‌گی را ندیده و می‌خواست تحصیل کند تا یک سلیلی محکم به‌روی ناخوش روزگارش بزند و از تمام خم‌وپپیج‌های زنده‌گی بدون این که خم به ابرو بی‌آورد بگذرد. او می‌گوید: «بزرگ که شدم بزرگ‌ترین آرزویم

شوق فراوان به یادگیری و پیش‌رفت در علم تنها آرمانی است که هنوز در دلش موج می‌زند. محدودیت‌هایی که دم‌به‌دم فراراه زنده‌گی او قرار می‌گیرند، عزم او را به آموختن قوی‌تر ساخته است. شکریه دختری است که از همان کودکی با رنج و محرومیت‌ها بزرگ می‌شود. او از کودکی محروم از دست نوازش‌های پدر شده و می‌داند نداشتن و محروم بودن یعنی چه و تک‌افتاده‌گی را درک می‌کند. مادرش تنها کسی است که شکریه در زنده‌گی‌اش دارد و دلش به بودن او خوش است. شکریه می‌گوید: «مادرم تنها حامی من در تمام زنده‌گی‌ام بوده و هست، مادری که برایم هم پدر شد و هم مادر.» شکریه در یکی از ولسوالی‌ها با خانواده مادری‌اش زنده‌گی می‌کند و مکتب را به درجه عالی از همان‌جا فارغ شده است. شکریه با رویاهای در سر، زنده‌گی را جور دیگری می‌زیست و آینده‌اش را روشن می‌دید، به فکر برآورده ساختن آرزوهای مادرش بود؛ آرزوهای مادری که با فداکاری

داشت و جز بهترین تقویم در زنده‌گی‌اش بود. روزها عادی می‌گذشتند و شکریه با دل‌گرمی فراوان به درس‌هایش می‌رفت: «بعضی روزها ساعت‌ها پیاده‌روی می‌کردم، اما هیچ شکایتی از این پیاده‌روی‌های طولانی نداشتم.» اما باز هم فکر می‌کرد روزهای قشنگی در راه است و هر روز خیال فارغ شدنش را از سر می‌گذراند: «منتظر روزی بودم تا همه برایم خانم وکیل بگویند.» همین فکرها و خیال‌های خوب و خوشش بود که سبب می‌شد تا دوام بیاورد.

شده بود حقوق خواندن». به‌خاطر دور بودن مراکز آموزشی، نمی‌توانست به‌طور جدی درس بخواند و سه سال تمام از درس‌هایش عقب افتاده بود. با تمام این ناملایمتی‌ها امیدش را از دست نمی‌دهد و تا آخرین لحظه سعی‌اش را می‌کند تا آنچه می‌خواهد را به‌دست بیاورد. سرانجام، شکریه بعد از سه سال تلاش توانسته بود وارد دانشکده دل‌خواهش شود: «مادرم با معاشی که از معلمی می‌گرفت توانست من را به یکی از دانشگاه‌های خصوصی بفرستد.» از آن روزها چنین یاد می‌کند: «حس می‌کردم خوشحال‌ترین دختر روی زمین هستم.» آن روز برایش قدسیت

اجلاس بریکس و رویکرد غرب‌ستیزانه آن

کج شجاع‌الدین امینی

شهر ژوهانسبورگ افریقای جنوبی از ۲۲-۲۴ اگست سال روان، میزبان پانزدهمین اجلاس سران سازمان بریکس است. افریقای جنوبی یکی از پنج عضو این سازمان است. این کشور در گذشته نیز در چند نوبت میزبان اجلاس بریکس در سطح سران و پایین‌تر از آن بوده است. در این نشست سران کشورهای چین، هند، برزیل و روسیه حضور خواهند یافت. البته روسیه اعلام کرده است که سرگئی لاوروف، وزیر خارجه‌اش در این نشست اشتراک می‌کند. همچنان از کشورهای دیگر به‌حیث مهمان دعوت به عمل آمده است. قبل از ورود به محتوا و حاشیه‌های این اجلاس به چگونگی شکل‌گیری بریکس به اختصار اشاره می‌شود.

بریکس چیست؟

بریکس در ۱۶ جون ۲۰۰۹ از سوی کشورهای برزیل، روسیه، هند و چین در شهر ویکتورینبورگ روسیه تاسیس شد. آن زمان این سازمان «بریک» خوانده می‌شد. «بریک» ترکیب حروف اول نام آن چهار کشور به زبان انگلیسی است. در سال ۲۰۱۰، با پیوستن افریقای جنوبی، نام این سازمان از «بریک» به «بریکس» تغییر یافت. بریکس فعلاً پنج عضو دارد، ولی در این اواخر کشورهای زیادی از جمله ایران، آرژانتین، مصر، عربستان و امارات متحده عربی در صف انتظار برای عضویت در این سازمان نشسته‌اند.

تعریف روشن و همه‌پذیری که تا کنون از بریکس ارایه شده این است که این سازمان می‌خواهد سیطره و هژمونی دولت‌ها و نهادهای غربی در حوزه اقتصاد، سیاست و نظامی‌گری در سطح بین‌الملل را بشکند و در قامت بدیل قدرتمند عرض اندام کند. از اعضای این سازمان به‌مثابه قدرتهای اقتصادی نوظهور یاد می‌شود که نظم حاکم بر روابط بین‌الملل به‌ویژه از حیث اقتصادی را نمی‌پسندند. بریکس قاعدتاً یک مجمع اقتصادی است، ولی در حوزه قدرت و سیاست در سطح بین‌الملل نیز دخالت می‌کند. کشورهای عضو این سازمان از حیث نفوس، مساحت، اقتصاد و توان نظامی در وضع بهتری قرار دارند و اگر متحد بمانند، می‌توانند در برابر بلوک غربی «جی ۷» موازنه‌سازی کنند. البته تلاش بریکس معطوف به موازنه‌سازی نرم از حیث اقتصادی است نه موازنه‌سازی سخت از حیث نظامی.

مهم‌ترین گامی که بریکس برای موازنه‌سازی علیه

غرب برداشت، ایجاد «بانک توسعه نوین» در ششمین اجلاس سالانه در ۲۰۱۴ بود. این بانک برای مهار صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی ایجاد شده است. گفته می‌شود که بریکس از شیوه کار و رهبری این دو نهاد بین‌المللی غربی رضایت ندارد؛ چون هر دو از سوی ایالات متحده و اتحادیه اروپا رهبری می‌شوند و اعضای بریکس در آن نقش ندارند. بانک توسعه بریکس در راستای تقویت زیرساخت‌های اقتصادی کشورهای عضو و همچنان اعطای وام به کشورهای نیازمند فعالیت می‌کند. بریکس با ایجاد این بانک و مخالفت با شیوه کار و اداره‌های مالی غربی به‌دنبال آن است تا رهبری کشورهای در حال توسعه را در دست گیرد.

براساس گزارش‌ها، در حال حاضر، بریکس ۳۱.۵ درصد تولید ناخالص داخلی جهان را در اختیار دارد و طبق پیش‌بینی‌ها تا سال ۲۰۵۰ به مرز ۵۰ درصد خواهد رسید. همچنان، این مجمع از ۴۲ درصد جمعیت و ۳۰ درصد خاک جهان نمایندگی می‌کند.

رویکرد ضد غربی بریکس

بریکس در بدو تولد نگاه متفاوت از غرب به نظم اقتصادی بین‌المللی داشت نه لزوماً غرب‌ستیزانه. اما به‌تدریج نگاه ضد غربی در موضع این سازمان پدیدار شد. مهم‌ترین عامل آن می‌تواند پافراش گذاشتن بریکس از حوزه اقتصاد به جنگ و سیاست باشد. همچنان، سه عضو بریکس مسلح به سلاح هسته‌ای هستند و بدیهی است که از دخالت در عرصه قدرت و سیاست دور نمی‌ایستند. برای نمونه، بحران اوکراین عامل موثر بر اتخاذ موضع ضد غربی از سوی این سازمان است؛ چون روسیه عضو مهم آن است. همچنان، بالاگرفتن تنش‌های اخیر میان چین و ایالات متحده مزید بر علت شده است. اعضای بریکس به‌رغم داشتن مبادلات تجاری گسترده با غرب تا این دم کوشیده‌اند در بحران اوکراین، گامی برندارند که به زیان مسکو تمام شود. هند، چین و افریقای جنوبی به قطع‌نامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد مبنی بر محکومیت حمله روسیه بر اوکراین رای ممتنع دادند که اگر کشورهای نامبرده به‌ویژه هند، عضو بریکس نمی‌بودند، شاید چنین نمی‌کردند.

حاشیه مهم اجلاس ژوهانسبورگ، غیبت ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه، است. دلیل آن این است که پوتین در ۱۷ مارچ ۲۰۲۳ از سوی دادگاه کیفری بین‌المللی محکوم به ارتکاب جرایم جنگی در اوکراین

شد که در صورت حضور در اجلاس باید بازداشت شود؛ چون افریقای جنوبی یکی از کشورهای است که عضویت دادگاه کیفری بین‌المللی را دارد و ملزم به اجرای حکم است. ولی، پرتوریا اعلام کرد که نمی‌تواند حکم دیوان کیفری را اجرا کند؛ چرا که اجرای آن به مفهوم اعلان جنگ علیه روسیه است. لذا، مسکو به اعزام وزیر خارجه‌اش اکتفا کرد و پوتین قرار است به‌گونه مجازی در اجلاس حضور پیدا کند.

عامل دیگری که رویکرد ضد غربی بریکس را بیش‌تر برجسته می‌سازد، استقبال از حضور ایران است. ایران در ۲۷ جون ۲۰۲۲ درخواست عضویت به بریکس داده است که تا این دم برای رد و قبول آن، تصمیم اتخاذ نشده است، ولی این کشور در نشست‌های بریکس به‌حیث مهمان ویژه حضور داشته است. ابراهیم ریسی، رئیس جمهور ایران، در چهاردهمین اجلاس سران بریکس موسوم به «بریکس پلاس» که در ۲۴ جون ۲۰۲۲ با میزبانی چین برگزار شده بود، به دعوت رییس جمهور این کشور به‌گونه مجازی اشتراک و سخنرانی کرد. همچنان، حسین امیر عبداللہیان، وزیر خارجه ایران، در نشست بریکس موسوم به «دوستان بریکس» که در سطح وزیران خارجه در شهر کیپ‌تاون افریقای جنوبی در ۱ جون سال روان برگزار شده بود، اشتراک کرد. همچنان چند روز قبل در ۹ اگست، جلسه‌ای موسوم به «ایران و بریکس» برگزار شد و از عضویت ایران در این مجمع سخن‌ها رفت. همین‌طور در اجلاس ژوهانسبورگ نیز از رییس جمهور ایران دعوت شده است. در ۱۷ اگست، پوتین با ریسی مکالمه تلفونی کرد و گفته می‌شود که امکان عضویت ایران در بریکس بخشی از آن بوده است. یک روز پس از آن، نازندرا مودی، نخست‌وزیر هند، با ریسی گفت‌وگوی تلفونی داشت و ابراز خوشحالی کرد که در حاشیه اجلاس بریکس بیش‌تر صحبت خواهند کرد. روشن است که استقبال گرم از حضور ایران که کشور ضد غربی است، رویکرد بریکس نسبت به غرب را دشمنانه‌تر می‌سازد.

نکته مهم دیگر، دعوت از کشور بلاروس در اجلاس بریکس است. این بار نخست است که بلاروس در اجلاس این سازمان اشتراک می‌کند. بلاروس متحد روسیه است و تحت تحریم دولت‌های غربی قرار دارد. اشتراک این کشور در اجلاس بریکس، شمشیر غرب‌ستیزی این سازمان را برنده‌تر از گذشته خواهد کرد.

در آستانه برگزاری اجلاس بریکس، مهم‌تر از آن دیداری بود که میان سران ایالات متحده، کوریای جنوبی و جاپان در کمپ دیوید انجام شد و بحران اوکراین و تایوان در محور آن قرار داشت. همزمانی این دو اجلاس معنادار به‌نظر می‌خورد و حکایت از انقباط عمیق‌تر میان قدرت‌های بزرگ غرب و شرق می‌کند.

پرسش مهم این است که آیا بریکس می‌تواند تبدیل به قدرت موازنه‌ساز علیه غرب شود؟ پاسخ به این پرسش دشوار است. اعضای بریکس گرفتار مشکلات درونی هستند. برای نمونه، برزیل برخلاف هند، چین و افریقای جنوبی به قطع‌نامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد مبنی بر محکومیت حمله روسیه بر اوکراین رای مثبت داد. هند با چین منازعه مرزی دارد و رابطه دو کشور سرد است. هند، همچنان متحد امریکاست؛ کشوری که بریکس به‌دنبال مهار قدرت آن است. این تناقض‌های درونی مانع از درخشش بریکس به‌حیث نهاد موازنه‌ساز علیه دولت‌های غربی در سطح بین‌الملل می‌شود. «دالرزداپی» یکی از تلاش‌های بریکس برای شکستادن قدرت نرم غرب است. این سازمان به‌دنبال معرفی ارز جدید در برابر دلار است. این تصمیم ظاهراً در واکنش به اعمال تحریم‌های یک‌جانبه دولت‌های غربی علیه کشورهای در حال توسعه به‌ویژه اعضای بریکس گرفته شده است. روسیه از آن جایی که تحت تحریم قرار دارد، ایده معرفی ارز جدید را بیش‌تر دنبال می‌کند، ولی گفته می‌شود که هند با آن چندان موافق نیست. این که بریکس در معرفی ارز جدید و پی‌گیری سیاست «دالرزداپی» موفق می‌شود یا نه، گذر زمان نشان خواهد داد.

کاهش انزوای بین‌المللی طالبان و افزایش رنج ملت افغانستان

کج فداحسین حسینی

دو سال از قدرت‌گیری دوباره طالبان و فروپاشی جمهوری گذشت. هرچند این گروه تا کنون از سوی هیچ کشوری به‌رسمیت شناخته نشده است؛ اما شماری از کشورهای منطقه و جهان روابط تنگاتنگ دیپلماتیک خود با این گروه را حفظ کرده‌اند. رفت‌وآمدها و دیدارهای وزیر خارجه، نمایندگان دیپلماتیک و سران طالبان از کشورهای منطقه، و دیدارهای نمایندگان کشورها از افغانستان زیر اداره طالبان، حکایت از سیاست فعال دیپلماتیک طالبان و چشم‌پوشی جامعه جهانی و کشورهای منطقه نسبت به جنایت‌های طالبان داشته و بیان‌گر عادی‌شدن تدریجی روابط این گروه با جهان است. طالبان ادعای می‌کنند که اختیار بیش از ۱۴ سفارت‌خانه کشور در خارج و شماری از قونسلگری‌های افغانستان را بر عهده دارند. به علاوه تعدادی از نمایندگان‌های سیاسی کشور، باقی‌مانده از دوران جمهوری، نیز از این گروه تبعیت کرده و فرامین این گروه را اجرایی می‌کنند. طالبان سفارت‌خانه‌های افغانستان در کشورهای چین، پاکستان، ایران، روسیه، چین، ترکمنستان، امارات متحده عربی، قطر، ترکمنستان

و ... را اداره می‌کنند. نماینده‌گی‌های سیاسی و سفارت‌خانه‌های ۱۶ کشور در افغانستان تحت اداره طالبان مثل قبل به‌کار خود ادامه داده‌اند. همچنین دفتر این گروه در قطر پابرجاست. طالبان از این مسیر مصروف چانه‌زنی با جامعه جهانی و به‌دنبال مشروعیت‌بخشی به اداره خودند. برخلاف تصوره‌های نخستین بعضی از ناظران اوضاع افغانستان مبنی بر انزوای سیاسی و بین‌المللی طالبان، این گروه رفته‌رفته به گستره روابط دیپلماتیک، اقتصادی و تجاری خود با کشورهای منطقه و جهان افزوده است. برخلاف دوره اول اداره طالبان، که میان سال‌های ۱۹۹۶-۲۰۰۱ م طول کشید، این گروه تنها از سوی سه کشور عربستان سعودی، پاکستان و امارات متحده عربی به‌رسمیت شناخته شده بود.

آیا طالبان منزوی شده‌اند؟

توافق و خروج اقتضاحانه امریکا و متحدانش از افغانستان در اگست ۲۰۲۱، کشور را در چرخه باطل بحران فرو برد و زمینه قدرت‌گیری دوباره طالبان را فراهم کرد. توافق و خروجی که بستر سقوط افغانستان به دست طالبان را مهیا کرد. توافق امریکا، با این گروه

ووجه طالبان را در سطح بین‌المللی عوض و مقدمات قدرت‌گیری آنان را فراهم کرد. ناکارآمدی و ناتوانی جمهوری نیز در قدرت یافتن طالبان بی‌تاثیر نبود. رژیم طالبان پس از قدرت‌گیری، رفته‌رفته با سرکوب مخالفان، حکومت تک‌قومی مبتنی بر تعصب، آپارتاید جنسیتی و بی‌اعتنایی به حقوق بشر را پایه گذاشت. تعامل جامعه جهانی با این گروه سبب تقویت فرضیه عادی‌شدن رژیم طالبان شده است. براساس گزارش‌ها، طالبان در دو سال اول حکومت‌شان، چندان در انزوا قرار نگرفته و در تماس و تعامل با کشورهای منطقه و جهان قرار داشته‌اند؛ در حالی که این گروه از سوی هیچ کشوری، حتا کشورهایی که در دور اول حاکمیت این گروه آن را به‌رسمیت شناخته بودند، به‌رسمیت شناخته نشده است.

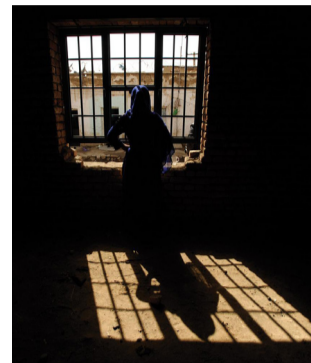
بربنیاد یافته‌های پژوهشی که از سوی انستیتوت واشنگتن برای خاور نزدیک انتشار یافته، این گروه برخلاف «دو دهه شورش و نبرد، حالا از ابزار دیپلماسی سود بهینه» جسته و این بار در عرصه دیپلماتیک فعالانه ظاهر شده است. دستگاه تبلیغات رسانه‌ای این گروه نیز سفرها و نشست‌های سران طالبان را تبلیغ می‌کنند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که طالبان در

دو سال گذشته، با ۷۲ کشور بیش از ۹۴۴ بار دیدار داشته است. ترکیه، چین، ایران، قطر، پاکستان و اوزبیکستان به ترتیب بیش‌ترین دیدار و تماس با طالبان را داشته است. بیش‌ترین ملاقات‌ها به ترتیب در کابل، قطر، ترکیه، پاکستان و چین صورت گرفته است. گزارش سیر صعودی تعامل این گروه را نشان می‌دهد. برخلاف سال اول، تماس گروه طالبان در سال دوم دوچندان شده است.

تماس طالبان در قالب نشست‌های دوجانبه رودرو با کشورهای منطقه و چندجانبه با غرب صورت گرفته است. بربنیاد این تحقیق، ترکیه و چین با داشتن بیش‌ترین تعامل با طالبان در صدر قرار دارند. نشست‌های طالبان با کشورها و برعکس طیف وسیعی از مسایل از جمله کمک بشردوستانه، کمک دولتی، فرصت‌های اقتصادی، سرمایه‌گذاری صنعتی، حل اختلافات مرزی، تنش‌های آبی و تعاملات دینی را در بر می‌گیرد.

گزارش پیش‌بینی می‌کند: «در آینده احتمالی، طالبان به گسترش تماس دیپلماتیک و مشروعیت‌بخشی [بین‌المللی خود ادامه خواهند داد]؛ امری که خبر از آینده تاریک کشور داشته و ظاهراً دوام این گروه را در سال‌های آتی تضمین می‌کند.

می خواستم...



او در روزهای گرم تابستان گاه مجبور بود فاصله‌های زیادی را پیاده طی کند و «آه» نکشد. گاه هم از شدت گرمی زیاد سرگیچه می‌گرفت: «نگران بودم اگر در این شهر غریب چیزی بر سرم بیاید مادرم بطور خبر شود. اگر خبر هم شوه چه بر سرش می‌آید». روزهایش با اضطراب و نگرانی می‌گذشت. مدام به خودش یادآور می‌شد: «آخرین امتحان سمستر را به یاد می‌آوردم و خودم را با لباس فراغت تصور می‌کردم و این تنها قوت‌م برای ادامه دادن بود». و خودش را همیشه در لباس فراغت تصور می‌کرد و مادری که دست می‌زند به نتیجه و زحماتش. همین دست زدن‌ها و لبخندهای مادرش است که او را راضی نگه می‌دارد. شکر می‌خواست بعد از تمام شدن درس یک زنده‌گی ساده و مستقل با مادرش بسازد: «فکر می‌کردم روزی این توانایی را می‌داشته باشم که حداقل کمی از سختی‌هایی که مادرم کشیده را کم‌تر کنم و یک خانه مستقل داشته باشم». این‌جا سکوت می‌کند و با درد بسیار می‌گوید: «روزی که خبر بسته شدن دانشگاه‌ها را شنیدم، تمام سختی‌هایی که متحمل شده بودم همو دقیقه جلو چشم‌هایم آمد. بعد از آن روز نه امیدی بود و نه هست. آرزوهایم رخت بستند و رفتند. من ماندم با کوله‌باری از ناامیدی و نشدن‌ها. خوشحالی او دیر نیاید؛ چون طالبان شبیه ابر سیاه بر زنده‌گی و آرزوهایش سایه انداختند. لبخندهایش محو شد و چشم‌هایش اشک‌باران. شکر می‌کردم که تازه به پایان سمستر اول رسیده بود، همان‌جا و در همان مقطع از کارشناسی ماند. دروازه‌های دانشگاه بسته شدند، تمام دختران شبیه شکر می‌گریند. سوز و درد زیادی بر سینه شکر می‌سنگینی می‌کند و دیگر جملاتی چون «دیر آید، درست آید»، برای شکر می‌کارساز نیست. او دیر رسیده بود؛ اما زود از دست داد. با تلخ‌کامی می‌خندد و می‌گوید: «آخر می‌خواستم دختر مستقلی باشم.» هزاران دختر افغانستانی دیگر مانند شکر می تلاش و تکاپو کردند تا سر پای خود بیایند و تمرین مستقل بودن کنند؛ اما امروزه هر چه جنس مونث است مجبور به خانه‌نشینی شده‌اند. حالتی که امروز دختران با آن دست‌وپنجه نرم می‌کنند، دختران را از دختر بودن‌شان خسته کرده است. چقدر باید منتظر بود و تا کی زنده‌گی ما بسته به امر ثانی است؟

عاشقانه‌ای برای گلبن سرخ

کلمه پرتو نادری

تا من متوجه شده‌ام در دیوان و اصف باختری چیزی به‌نام عاشقانه‌سرای وجود ندارد. جای پای عشقی را در شعرهای او نمی‌توان یافت. هرچند در پاره‌ای از غزل‌ها و سروده‌هایی که در دهه چهل سده گذشته خورشیدی سروده است گونه‌ای از بیان عاشقانه دیده می‌شود؛ اما شمار چنین غزل‌ها و بیت‌ها اندکند. در چنین سروده‌هایی، او را می‌بینیم که این عشق و بیان عاشقانه را با حس و عاطفه رمانتیک و گاهی هم با موضوعات اجتماعی و حتا سیاسی آمیخته است. باختری شعری دارد در وزن آزاد عروضی به‌نام «ای گلبن، ای گلبن، ای گلبن سرخ». این را یگانه شعری یافتیم که او از یک عشق گم‌شده سخن می‌گوید. عشقی که رفته و همراه با آن روزهای شاد جوانی شاعر چنان برگ‌هایی از درخت زنده‌گی او فرو ریخته‌اند. این شعر بیان نوستالژیک آن عشق از دست رفت است. بیان نوستالژیک روزهای عشق‌آلودی است که چنان موج‌های زمزمه‌گر در جویبار زنده‌گی او جاری شدند و رفتند. آب‌های رفته دیگر بر نمی‌گردند، همان گونه که روزهای رفته دیگر بر نمی‌گردند. این بیان نوستالژیک شاعر را در پایان شعر به این بینش فلسفی می‌رساند که هستی چیزی نیست جز رنج هستی. گاهی هم از عشق‌ها یک رشته خاطره است که چنان برگ‌های خزان‌زده بر جای می‌مانند.

۱

ای لحظه‌هایی

کز یاد من رفته بودید

ای برگ‌هایی

کز نخل عمرم

افتاد بودید

پژمرده بودید

دی‌شب شما را - شما بانوان دیار سبا را -

در خواب دیدم

آن را چو پیروزه‌گون کاج بالبلندی

وین را زلال گوارنده ناب دیدم

آن را که آتش نفس بود و آتش شکیب

در گرم‌گاهی که می‌سوخت

ماهی به دریا

بر نردبان حریرین ز امواج تالاب دیدم

وین دیگری را غروبی غم‌انگیز

در ساحل رود مهتاب دیدم

۲

ای لحظه پاک نوشین

کز یاد من رفته بودی

ای برگ پارین

کز خل عمرم

افتاد بودی

پژمرده بودی

آیا مرا می‌شناسی؟

آیا مرا می‌گذاری؟

که تا با زبان گیاهان به گوشت سردی بخوام

غم‌نامه خشک‌سالان

در ساحل زنده‌رودی بخوانم

۳

ای گلبن، ای گلبن، ای گلبن سرخ

تو هم چنانی که بودی، همانی که بودی

لیکن نه من همچنانم که بودم

ای بامداد اثیری

خواهم اگر لحظه‌ای در کنارت نشینم

خواهد زدی بانگ برمن:

کای پیر آشفته‌پندار برخیز!

روح بهشت و بلوغ بهاران

ز آن سو برفراشته چتر

پا در رکابند

تا سر زمین‌های عشق و هوس را

آیینه بندند

ای پیر آشفته‌پندار

گم کرده‌ای راه خود را

خاری تو خاری، آیا خار برخیز!

۴

دیوانه از خشمم

بر خود نهبی ز من سخت

کای پیر آشفته‌پندار

این بامداد اثیری

این بامداد بلورین

آیینه‌سان راست گوید

گم کرده‌ای راه خود را

بر خیز و پا بر ره بی‌سرنجام خود نه

وانگاه

سر نهم بر سر زانوی خویش و گریم

آهسته با خویش گویم

هیبهات هیبهات

فرجام هستی چنین بود؟

ناکامی آن چه‌سان است؟

گر کام هستی چنین بود

۵

لیکن همه شب، همه روز

آید سروشی به گوشم

کای مرد خاکستری موی

از غصه خاکستری‌پوش

هرگز مبادا، مبادا!!

سیمای عشقت فراموش

از نی‌نواز کهن راز بشنو

هرگز مبادا، مبادا!!

غم‌های عشقت فراموش

زود است روزی که ماند

نای تو خاموش، خاموش، خاموش

تا سکه دیگری - یک نفس - مانده در گنج هستی

بخروش، بخروش، بخروش

هستی مگر چیست

جز رنج هستی

سفالینه‌ای چند بر پیش‌خوان بلورین فردا، ص ۱۹۶-

۱۹۸

این شعر به سال ۱۳۶۱ خورشیدی سروده شده است. نخستین بار آن را در مجله ژوندون، ارگان نشراتی انجمن نویسندگان افغانستان، خوانده بودم. حس غریبی برایم دست داده بود. بعدها بار بار خواندم. هر بار در این شعر می‌پیچیدم و گاهی هم می‌گریستم.

حالا هم این جمله‌ها را با گریه می‌نویسم. این گریستن هم چیزی شگرفی است، خودش می‌آید مانند چشمه‌ای که از دل سنگ‌های کوهستان دوری سر می‌زند.

من در جریان سرایش شعرهای خود گاهی نگریستم، جز شعر «تصویر بزرگ، آیینه کوچک»؛ اما چرا در نوشته‌های خود بسیار گریستم. این بار نیز می‌گریم. شعرهای و اصف باختری برای من بیش‌تر اندیشه

برانگیز بوده‌اند. در میان تصویرهای پیچ پیچ، در میان اسطوره‌ها، روایت‌های اسطوره‌ای و اندیشه‌های او سرگردان شده‌ام و گم شده‌ام؛ اما «ای گلبن، ای گلبن، ای گلبن سرخ» نمی‌دانم چرا هر بار حس و عاطفه غریبی را در من بیدار می‌کند.

این شعر را می‌توان بیان‌نامه همه عشق‌های گم‌شده خواند. این عشق هم چه مفهوم پیچیده و رازناکی است. انسان چه رازهایی را که کشف نکرده است. انسان در میان رازهایی که از هستی کشف کرده و در میان دانسته‌های خود چنان سرگردان است که گویی خود را گم کرده است. با این حال دلش هوز یخ نکرده است. امروزه حتا می‌رود تا بداند که آن انفجار نخستین چگونه رخ داده و پس از میلیاردها سال تاریکی، نخستین ستاره‌گان چگونه شکل گرفتند و در دل تاریکی درخشیدند و نورشان چگونه به هر سوی پراکنده شد.

با این همه، انسان هنوز در شناخت خود ناتوان مانده است و هنوز نمی‌داند که عشق چیست؟ این مفهوم رازناک از کجا و چگونه آمده است؟ چگونه شد که انسان با این درد رازناک و گزیرناپذیر آشنا شد. راز این پیوند در چیست؟ شاید هم پیوندی در میان نباشد؛ بلکه عشق و انسان مفهوم یگانه‌ای باشند.

در بند نخست شعر از خودش می‌گوید و خود را چنان کاج بلند بالا و پیروزه‌گون می‌بیند که بادهای تند روزگار برگ‌های آن را و به تعبیر خودش آن بانوان شهر سبا را از شاخه‌های آن فرو می‌ریزند.

کاربرد بانوان شهر سبا اشاره به روایت اسطوره‌ای ملکه شهر سبا و سلیمان دارد. این یکی از شگردهای شاعری اوست که گاهی به اسطوره‌ای یا یک روایت اسطوره‌ای اشاره‌ای می‌کند و می‌گذرد.

در بند دوم شعر، شاعرانه آرزو می‌کند که بتواند با زبان گیاهان غم‌نامه خشک‌سالی‌هایی را که غم‌نامه خشک‌سالی‌های عشق و عاطفه نیز است، برای آن برگ‌های ریخته و پژمرده در کناره زنده‌رودی بخواند. شاید دلش می‌خواهد که آن برگ‌های ریخته دوباره سبز شوند و به شاخه‌های آن کاج بلندبالا بر گردند؛ اما متوجه می‌شود که لحظه‌ها دیگر بر نمی‌گردند و آن کاج پیروزه‌گون بلندبالا، خاکستری موی شده است.

ای گلبن، ای گلبن، ای گلبن سرخ

تو هم چنانی که بودی، همانی که بودی

لیکن نه من همچنانم که بودم

ای بامداد اثیری

خواهم اگر لحظه‌ای در کنارت نشینم

خواهد زدی بانگ برمن:

کای پیر آشفته‌پندار برخیز!

با این حال، او عشق خود را فراموش نمی‌کند. سر بر سر زانوی خود می‌گذارد و می‌گرید. با خود می‌گوید که آن بامداد بلورین که استعاره‌ای برای معشوق است، درست می‌گوید. بر می‌خیزد و در راه بی‌سرنجام خود گام می‌گذارد. چون به گفته سعدی: عشق را آغاز هست انجام نیست.

کای مرد خاکستری موی

از غصه خاکستری‌پوش

هرگز مبادا، مبادا!!

سیمای عشقت فراموش

از نی‌نواز کهن راز بشنو

هرگز مبادا، مبادا!!

غم‌های عشقت فراموش

زود است روزی که ماند

نای تو خاموش، خاموش، خاموش

تا سکه دیگری - یک نفس - مانده در گنج هستی

بخروش، بخروش، بخروش

هستی مگر چیست

جز رنج هستی

چنین است که در راه بی‌سرنجام خود، گام می‌گذارد. از خاموشی بیزار است و در هر گام می‌خروشد و می‌رسد به هستی و این هستی خود چیزی نیست، جز رنج هستی.

۸ صبح، کابل: تیم ملی فوتبال زیر ۱۷ سال افغانستان امروز در چارچوب رقابت‌های جام قهرمانی زیر ۱۷ سال مرکز آسیا (کافا) تیم ملی قرقیزستان را شکست داد. دیدار دو تیم ساعت ۵:۳۰ عصر روز یکشنبه، ۲۹ اسد، در تاجیکستان برگزار شد و با نتیجه سه بر صفر به نفع افغانستان پایان یافت. بازیکنان تیم افغانستان توانستند در نیمه اول دو گول وارد دروازه قرقیزستان کنند و در نیمه دوم نیز یک گول دیگر به ثمر رساندند. گفتنی است که رقابت‌های زیر ۱۷ سال مرکز آسیا (کافا) با اشتراک تیم‌های افغانستان، قرقیزستان، ایران و اوزبیکستان از تاریخ ۲۰ الی ۲۷ اگست سال روان میلادی با میزبانی تاجیکستان برگزار می‌شود.

بایدن خواستار دیدار با رهبر کوریای شمالی شد

خبرگزاری آناتولی یکشنبه شب، ۲۰ اگست، به نقل از جان کربی، سخنگوی شورای امنیت ملی کاخ سفید، گزارش داده که تا کنون پیونگ یانگ به این پیشنهاد واشنگتن پاسخ مثبت نداده است. جان کربی به خبرگزاری جاپانی کیودو گفته که گزینه دیدار جو بایدن با کیم جونگ اون هنوز روی میز است. وی افزوده است: «ما حاضریم بدون پیش شرط بنشینیم و مذاکره کنیم.»

کوریای شمالی پس از راهاندازی چندین آزمایش مشترک امریکا با متحدانش به ساخت سلاح‌های پیشرفته افزایش داده است.

رهبران کشورهای امریکا، جاپان و کوریای جنوبی جمعه گذشته در نشست سه‌جانبه در کمپ دیوید ایالت مریلند با انتشار بیانیه‌ای مشترک متعهد شدند که تمرینات نظامی



مقام‌های امریکایی می‌گویند که جو بایدن، رئیس جمهور این کشور آماده دیدار بدون قید و شرط با کیم جونگ اون، رهبر کوریای شمالی است.

گسترده سالانه خود را برگزار کنند.

آنان همچنان علاوه بر خلع سلاح هسته‌ای کامل کوریای شمالی خواستار گفت‌وگوی سازنده با این کشور شده‌اند.

در این بیانیه آمده است: «ما تعهد دولت‌های خود را برای مذاکره سریع به‌هدف هماهنگ کردن پاسخ‌ها به چالش‌های منطقه‌ای تحریک‌آمیز و تهدیدهایی که بر منافع و امنیت جمعی ما تاثیر می‌گذارد، اعلام می‌کنیم.»

روابط واشنگتن و پیونگ یانگ پس از سال ۲۰۱۹ بر سر مساله ساخت سلاح‌های هسته‌ای و موشک‌های دوربرد از سوی کوریای شمالی به‌وخت گرایید.

هفته گذشته کیم جونگ اون، رهبر کوریای شمالی حین دیدارش از یک کارخانه ساخت موشک از مقام‌های نظامی کشورش خواست تا روند تولید این موشک‌ها را سرعت بخشند.

لوائح جدید امنیت ملی پاکستان بدون امضای رییس جمهور به قوانین تبدیل شدند



رسانه‌های پاکستانی گزارش دادند که دو لایحه جدید (متمم ۲۰۲۳ اطلاعات رسمی و ارتش پاکستان) بدون امضای عارف علوی، رییس جمهور این کشور، تصویب شده‌اند.

رژنامه داوون روز یکشنبه، ۲۰ اگست، گزارش داده که این قوانین به گفته منتقدان، اختیاراتی بیشتر به سازمان اطلاعات پاکستان (CIA) و ارتش این کشور داده است.

عارف علوی، رییس جمهور پاکستان، گفته است که از امضای قوانین امنیت ملی جدید امتناع کرده اما به دلیل کارشناسی کارمندان دفترش این لوائح به پارلمان بازگشت داده نشده‌اند.

وی در پستی که در شبکه اجتماعی ایکس منتشر کرد نوشته است: «خدا شاهد است من لوائح متمم ۲۰۲۳ اسرار رسمی و ارتش پاکستان را امضا نکردم چون با این قوانین مخالف بودم. من از کارمندانم خواستم لوائح را بدون آن که توسط من امضا شده باشند در چارچوب زمانی تعیین شده به پارلمان برگردانند تا غیرمؤثر شوند. آنان به دفعات به من تایید کردند که آن‌ها را بازگشت داده‌اند و اطمینان داشتم که همین‌طور است. با این وجود امروز فهمیدم که کارمندانم اراده و فرمان من را خدشه دار کردند.»

اوایل ماه جاری میلادی مجلس ملی و سنا هر دو لایحه متمم ارتش پاکستان و اسرار رسمی را که اختیارات ارتش و سازمان‌های اطلاعاتی این کشور را افزایش می‌دهد تصویب کرده‌اند.

طبق قانون اساسی پاکستان، در صورتی که رییس جمهور یک لایحه را امضا نکرده و آن را همراه اعتراضات و ملاحظاتی طی ۱۰ روز بعد از تصویب توسط هر دو مجلس پارلمان، بازگشت ندهد، تبدیل به قانون می‌شوند.

طبق این لوائح متمم، اختیاراتی گسترده به سازمان‌های اطلاعاتی پاکستان داده شده و آنان می‌توانند حین مشکوک شدن به هر جایی بپوش برده و هر شهروندی را بازداشت کنند. سناتورهای حزب تحریک انصاف پاکستان، به رهبری عمران خان، نخست وزیر برکنار شده این کشور که اکنون زندانی است، از این متمم‌ها حمایت کرده‌اند.

این قوانین همچنان تا پنج سال مجازات حبس را برای فردی که اطلاعات حساس را درباره ارتش یا امنیت ملی پاکستان افشا کند در نظر گرفته‌اند.

متمم قانون اطلاعات رسمی به مجازات سه سال حبس و بالغ بر ۱۰ میلیون روپیه جریمه برای کسی که به اتهام افشای هویت یک مقام اطلاعاتی گناهکار شناخته شود توصیه کرده است.

این قوانین در حالی تصویب شدند که هم‌اکنون پاکستان از سوی یک دولت موقت اداره می‌شود.

کوریای شمالی موشک‌های کروز روی ناو جنگی خود را آزمایش کرد

جدیدی از آزمایش‌های تسلیحاتی از جمله موشک‌های دوربرد و پرتاب ماهواره جاسوسی آماده می‌شود. به گفته این اداره کیم جونگ اون در پاسخ به آزمایش‌های نظامی سالانه امریکا و کوریای جنوبی و جاپان آزمایش‌های تسلیحاتی خود را از سر گرفته است. این نهاد اطلاعاتی همچنان مدعی شده که ممکن است پیونگ یانگ در آینده نزدیک ماهواره جاسوسی خود را به مناسبت هفتاد و پنجمین سالگرد تاسیس این کشور پرتاب کند.

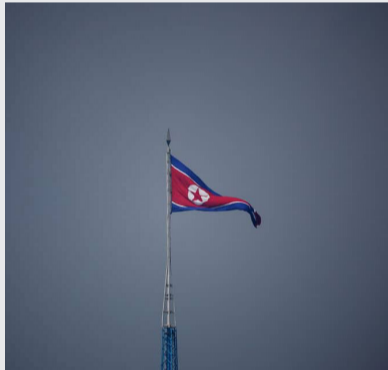
این آزمایش در حالی صورت می‌گیرد که قرار است هفته پیشرو امریکا، جاپان و کوریای جنوبی تمرینات نظامی مشترک‌شان را در آب‌های جاپان و در نزدیکی کوریای

خبرگزاری مرکزی کوریای شمالی گزارش داد که این کشور موشک‌های کروز روی یک ناو جنگی نیروی دریایی خود را با حضور کیم جونگ اون، رهبر کوریای شمالی آزمایش کرد.

خبرگزاری مرکزی کوریای شمالی (KNCA) روز دوشنبه، ۲۱ اگست، گزارش داده که این آزمایش به‌هدف بررسی عملکرد رزمی ناو جنگی صورت گرفته است.

براساس ادعای این خبرگزاری وابسته به دولت کوریای شمالی، این موشک به سرعت و بدون هیچ خطایی هدف را مورد اصابت قرار داد.

پیشتر سازمان اطلاعات کوریای جنوبی در گزارشی به پارلمان این کشور مدعی شد که کوریای شمالی برای دور



شمالی آغاز کنند.

مشاهده ۴۵ هواپیما و نه کشتی چین در اطراف جزیره تایوان



شی‌یی، سخنگوی فرماندهی منطقه شرقی ارتش چین اعلام کرده که رزمایش مشترک نیروهای هوایی و دریایی ارتش این کشور تحت نام «هشدار جدی» در اطراف جزیره تایوان آغاز شده است.

براساس گزارش‌ها این تمرینات نظامی در اعتراض به سفر اخیر ویلیام لای، معاون رییس جمهور تایوان به امریکا برگزار شده بود.

در واکنش به این سفر وزارت خارجه چین هفته گذشته اعلام کرد که بیجینگ نسبت به این سفر تحریک‌آمیز اقدامات قاطع و جدی اتخاذ خواهد کرد.

چین جزیره تایوان را بخشی از قلمرو خود می‌داند، اما امریکا می‌گوید که این جزیره یک سرزمین مستقل و بیرون از قلمرو چین است.

مقام‌های نظامی تایوان در حالی از مشاهده هواپیماها و کشتی‌های چینی در اطراف این جزیره خبر دادند که پیشتر مقام‌های امریکایی خواستار توقف فشار نظامی از سوی بیجینگ بر تایوان شدند.

وزارت دفاع تایوان می‌گوید که ۴۵ هواپیمای نظامی و نه کشتی مربوط به چین در اطراف این جزیره مشاهده شده‌اند.

به گزارش ایندیپندنت بلومز وزارت دفاع تایوان روز یکشنبه، ۲۰ اگست، در بیانیه‌ای اعلام کرده که ۴۵ فروند هواپیمای نظامی و نه کشتی متعلق به چین را در اطراف این جزیره شناسایی کرده است.

به گفته این وزارت، ۲۷ فروند از ۴۵ فروند هواپیمای متعلق به بیجینگ از خطوط هوایی و دریایی در تنگه تایوان عبور کرده‌اند.

پرواز هواپیماها و گشت‌زنی کشتی‌های چینی در نواحی جزیره تایوان با آغاز تمرینات نظامی ارتش چین و پس از سفر چند ماه پیش تسای اینگون، رییس جمهور تایوان، به امریکا افزایش یافته است.

پس از این سفر مقام تایوانی به امریکا، ارتش چین هفته پیش در اطراف این جزیره تمرینات نظامی را زیر نام شمشیر مشترک آغاز کرد.

امریکا خواستار توقف فشار نظامی از سوی چین بر تایوان شد

پس از آن که پکن در واکنش به سفر ویلیام لای، معاون رییس کنونی منطقه تایوان به ایالات متحده، رزمایش‌های نظامی را در اطراف این جزیره آغاز کرد، واشنگتن از پکن خواست تا فشار نظامی خود را بر تایوان متوقف کند.

بربنیاد گزارش رویترز، سخنگوی وزارت خارجه امریکا ناوقت روز شنبه، ۱۹ اگست، این خواست را مطرح کرده است.

او در پیامی به رویترز تصریح کرده است: «ما از پکن می‌خواهیم فشار نظامی، دیپلماتیک و اقتصادی خود علیه تایوان را متوقف کند و در عوض وارد گفتگوی معنادار با تایوان شود.»

این درحالی است که ارتش چین روز گذشته اعلام کرد که گشت‌زنی و رزمایشی دریایی و هوایی را در اطراف جزیره تایوان آغاز کرده است.

شی‌یی، سخنگوی فرماندهی جبهه شرقی ارتش چین گفت که هدف این گشت‌زنی و رزمایش تمرین هماهنگی هواپیماها، کشتی‌های نظامی و قابلیت آن‌ها برای کنترل بر حریم‌های هوایی و دریایی است. چین، تایوان را قلمرو خود می‌داند و در سه سال گذشته رزمایش‌های نظامی را در منطقه اطراف این جزیره افزایش داده است.